

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه ناس (جلسه دوم)

نختم منتهوی استادانخت ۹۳/۱۱/۲۵

برای اینکه امروز مهمان اهل بیت علیهم السلام بالاخص حضرت صدیقه طاهره(س) باشیم **صلوات**

برای اینکه نزول قرآن و ملائکه و وحی، ما را در فهم دقائق و ظرائفی که در کلام وحی وجود دارد کمک کنند

صلوات

برای اینکه هر کسی به هر نیتی خیری، که در جلسه دارد برسد و حاجتش برآورده شود **صلوات**

هر موجودی که پا به عرصه وجود می گذارد موجود است. وقتی نقص را از خود ببیند و کمال (خالی بودن از نقص) را از حق، در او تسبیح اتفاق می افتد. موجود یا مخلوق موجودیت پیدا می کند و در هر لحظه ای تحت تابش دائمی فیض الهی یا رحمت یا حق قرار می گیرد. وقتی نقص را از خود می بیند و حق را خالی از نقص می داند تسبیح اتفاق می افتد. تسبیح برائت از حق است. (توجه به کمال)

وقتی موجود توجه تمام به حق داشته باشد در او حمد اتفاق می افتد، این حمد وجوه مختلفی دارد. در موقعیتی ستودن حق است، در موقعیتی دیگر نفی کمال از غیر او و در موقعیتی میل پیدا کردن به بی نهایت حق است.

حمد با تکبیر: کمال به سمت بی نهایت

حمد با تهلیل: نفی کمال از غیر

حمد با حمد: ستودن خالصانه

وقتی موجود یا مخلوق با مانع یا ضد کمالی مواجه می شود و در اثر این مواجه شدن از خودش انعکاس نشان می دهد و اتفاقات مذکور اتفاق می افتد به آن استعاده می گویند.

مواجه با مانع ممکن است به (استعاذه به تسبیح، تسبیح، حمد، تهلیل و یا تکبیر) بیانجامد.

به بی تفاوت نبودن در مقابل مانع کمال یا ضد کمال عوذ گفته می شود.

عوذ وقتی به دعا تبدیل می شود استعاذه دعائی است و وقتی تبدیل به فرآیند شود اعاده محسوب می گردد.

وقتی که به خود حق یا پناهگاه توجه کند حمد می شود البته این خیلی سخت است لذا حمد خالص نصیب اولیاء و انبیاء می شود.

تکبیر یعنی در پناه قرار دادن .. یعنی فرد خود را وصل به بینهایت ببیند. نزول دائمی فیض الهی را می بیند. توجه به این نزول دائمی و یا آنچه او را از این نزول دائمی سلب می کند حالت های مختلفی را برای او ایجاد می کند.

موجود یا مخلوق نسبت به حق حالت های مختلفی در او ایجاد می شود. به بی تفاوت نبودن در مقابل مانع کمال یا ضد کمال عوذ گفته می شود. وقتی تبدیل به دعا شود استعاذه و وقتی تبدیل به فرآیند شود اعاده نامیده می شود. این موقعیت است که انسان خودش را امانتدار می داند و می خواهد خویش و اهلش را از مانع کمال نجات دهد.

عوذ: استعاذه (دعائی)، اعاده (عهدها، وظایف)

سیر این گونه است که انسان از استعاذه به تسبیح می رسد که مرحله تسبیح با حمد است و بعد به حمد می رسد و در تسبیح تهلیل است که باید به تکبیر ختم شود.

تسبیح با حمد یعنی کمال را دیدن و نقص خود را نیز دیدن.

شما در استعاذه با خطر، آسیب و اختلال مواجه می شوید و از نیازی به بی نیازی که قدرت و علم و اذن و امان دادن دارد، دعا و رجوع می کنید.

خطر زمانی است که ممکن است پیش بیاید. آسیب زمانی است که اتفاق افتاده است. اختلال زمانی است که اتفاق افتاده و تبعاتی دارد.

عوذ انعکاسی آگاهانه نسبت به آسیب یا اختلال درونی یا بیرونی است که به صورت رجوع به مرجعی دانا و توانا ظاهر می شود و به وسیله علم و توان آن مرجع توان مقابله با آن آسیب و اختلال را می یابد.

استعاذه، به طلب عوذ از الله و قرار دادن عوذ در دعا هم از اوست.

حتما در استعاذه حضور اسباب را داریم. انسان با اتکاء به اذن الهی باید سراغ دیگران برود.

استعاذه پس زمینه زندگی انسان است و همه رفتارها در زندگی به جزء اندکی، حالت استعاذه دارد. خواب یک عملیات استعاذه برای رفع خستگی و کسالت است. در صورتی می توان به آن استعاذه گفت که آگاهی لازم در رجوع به مرجعی دانا و توانا اتفاق افتاده باشد و بگویم خداست که خستگی و کسالت را برطرف می کند نه خواب.

آسیبها دو نوع هستند یک سری از ناحیه بیرون، یک سری از ناحیه درون است.

خداوند برای آسیبهای بیرونی (بلا، فتنه) درجه و ارتقاء گذاشته و آنها را وسیله ارتقاء انسان قرار داده است.

آسیبهایی که خدا به انسان وارد می کند در ازای هر کدام چیزی را می گیرد و چیزی را می دهد.

استعاذه عمومی ترین مورد در زندگی انسان و کمترین آن است که انسان به آن دقت دارد زیرا انعکاسهای انسان نسبت به آسیبها و اختلالات نوعا غریضی و غیر آگاهانه است و اینگونه است که خداوند در قرآن می فرماید: «اولئك كل انعام بل هم اضل»

اولین کاری که ما باید انجام دهیم آن است که آسیبها و اختلالات را شناسایی کرده و برخوردها را آگاهانه و کمال خواهانه انجام دهیم. اولین کاری که باید کرد این است که ساختار وجودی انسان درست شود. اثر برای وجود است. اگر وجود، در موجود القاء شود، وجود تا مادامی که در موجود باشد ذا اثر است بنابراین هر کاری که موجود انجام دهد برای وجود است.

انسان تا لحظه مرگ فرصت دارد که وجود مطلق را ببیند به همین دلیل به هنگامه مرگ می گویند لقاء الله.

برای استعاذه لازم است که :

۱. انسان نسبت به وضعیت مطلوب خود آگاهی داشته باشد
۲. نسبت به آسیبها و اختلالاتی که ممکن است مانع رسیدن به وضعیت مطلوب باشد و یا در رسیدن به وضعیت مطلوب اختلال ایجاد کند و یا وضعیت مطلوب را به مخاطره اندازد آگاهی داشته باشد

۳. در وهله اول نسبت به پیشگیری و جلوگیری از آسیب‌ها و در وهله دوم نسبت به درمان آسیب‌ها آگاه باشد و عمل کند

۴. نسبت به منافع دریافت رحمت پس از پناه، علم داشته باشد

استعاذه یعنی شناخت وضعیت مطلوب مرضی خدا و قرار گرفتن آسیب و اختلال در وضعیت نامطلوب و غیر مرضی خدا یعنی دچار آسیب شدن.

استعاذه می‌شود دعا برای:

- از آسیب تا پناه
- از آسیب تا عصمت
- از آسیب تا قرار گرفتن در حصن
- از آسیب تا سلام
- از آسیب تا حفظ

وضعیت مطلوب و نامطلوب سه وضعیت پیدا می‌کند:

۱. هر چه جهت‌گیری کلی فرد قوی‌تر باشد کارهایش هم درست‌تر خواهد بود
۲. تبعیت از احکام شریعت می‌کند
۳. خیر شناسی انجام می‌دهد

هر چیزی که منجر به بهم خوردن جهت‌گیری، تبعیت و خیر شناسی شود آسیب است و شرها در این منطقه قرار دارند که روی وسواس خناس می‌رود. اولین کاری که وسواس خناس انجام می‌دهد این است که انسان را از وضعیت مطلوب به نامطلوب و از وضعیت مرضی خدا به وضعیت مرضی غیر خدا سوق می‌دهد.

استغفار توجه به منافع نازل شده توسط خداست که برخی اوقات استغفار استعاذه‌ای می‌شود زیرا منافع دریافت رحمت پس از پناه را دیده است.

استغفار طلب رحمت و منفعت خدا برای انسان است.

➤ رجوع شود به دعای خصله در بحارالانوار جلد ۸۴ صفحه ۱۲

خصله به معنای آن است که انسان را تا رسیدن به مقصد همراهی می‌کند.

به آن معبر می‌گوییم یعنی انسان را از بحران برای رسیدن به مقصد عبور می‌دهد.

اصل تدبر دعای خصله تدبر سوره‌ای است.

منظورمان از آسیب آن است که از بیرون به انسان اصابت می‌کند. برخی مربوط به تکوین حیات دنیوی هستند مانند ابتلاءها (مثل بیماری)، مصائب (مثل از دست دادن کسی) و برخی از ناحیه اختلالات خود فرد، مثل انواع افسردگی - ها، اضطراب‌ها.

دسته‌بندی اختلالات بر اساس ساختار وجودی: قوای ادراکی، قوای علمی و باوری، قوای توجهی، قوای گرایشی و طلبی، قوای رفتاری و برنامه‌ریزی.

بخشی از آسیب‌ها مربوط به خود اختلال است. همه اختلالات قطعاً به انسان آسیب می‌زنند. در مقابل هم انواع مواجهه داریم. با انواع اختلالات و آسیب‌ها ابزارهای مواجهه پیدا می‌کنیم. درمان و پیشگیری اساس استعاده عملی است.

استعاده انعکاسی آگاهانه، رجوع به دانا و توانا و دریافت دانایی و توانایی برای مقابله است که اینها ابزار انعکاس تا مقابله می‌شود.

دشمن و عدو: شیطان که در انحراف برنامه‌ریزی دارد.

معنای کلمه	وجه سوره	سوره / با جنس	ابراز یا فرآیند انعکاس یا مواجهه آگاهانه تا مقابله
ایجاد مانع برای دریافت جلوه های فرد / کنترل جلوه، در واقع دشمن را از طریق منع کنترل می کنید. ایجاد منع از طلاق (دو چیز تمایز) / محدوده ایجاد کردن	توحید ربوبی / توجه به صفات کمالی	حمد و آیت الکرسی ملاک این دو هستند.	حجاب

عبودیت خدا، گوهری است که فرد را از غیر خدا متمایز می کند و او را در منع نسبت به آسیب آنها قرار می دهد. سبک زندگی انسان از سبک زندگی دشمنش متمایز می باشد. به راحتی سبک زندگی ما تغییر می کند زیرا ما حجاب نداریم.

پوشش به نحوی که شیئی مخفی شود / کنترل در ظهور و خفا است	تقوا و ی علم به قرآن	سوره بقره آیات ابتدایی	ستر
<p>آشکار کردن افکار، باورها، نیتها، گرایشها و رفتارها، گفتارها و مخفی کردن آنها طبق ضابطه است و فرد دارای ساتر است.</p> <p>کلا، ستر خیلی با تقوا سنخیت پیدا می کند زیرا خفای آن حساب و کتاب دارد.</p> <p>سوره بقره مکانیزمهای تقوا را به برکت قرآن به فرد می دهد.</p> <p>بنی اسرائیل خیلی وقتها لباس خود را در آوردند و آنچه نباید می گفتند را گفتند. قوم بنی اسرائیل یکی از کارهایی که کرد ستر عالم را به هم ریخت. در واقع سوره بقره می شود آسیب شناسی یهود که نزع لباس کردند.</p> <p>در حجاب حائل ایجاد می کنید اما در ستر چسبیده به خود فرد است که خیلی چیزها را مخفی می کند.</p>			

برطرف شدن حاجت	رجوع به محکمت و فرار از متشابهات / استفاده از متشابهات به شکل صحیح	آل عمران	کفایت
<p>انسان وقتی در جامعه قرار می گیرد نیازهای کاذب پیدا می کند که درجه کفایت هایش را تغییر می دهد. رجوع به محکمت و گیر نکردن در متشابهات منجر به رفع نیازهایش می شود.</p> <p>سوال با کفایت ارتباط مستقیم پیدا می کند. هر میزان سوال انسان بیشتر گردد کفایتش هم بیشتر می شود که این در معنویت خوب است.</p> <p>الان یکی از کارهایی که شیطان می کند ایجاد نیازهای کاذب در فرد و از بین بردن نیازهای معنوی و نمونه اش کم شدن کتاب-</p>			

سطح کفایتی که به وسیله تشابهات ایجاد می‌شود متفاوت است با سطح کفایتی که از محکّمات ایجاد می‌شود. شان عبودیت محکم است و بقیه شئون متشابه هستند و هر چه شان عبودیت کم‌رنگ بشود شئون دیگر پررنگ خواهد شد. رجوع به محکّمات و جوه پیدا می‌کند مثل محکّمات رشد و سنین که هفت سال اول یک محکّماتی دارد که فعال شدن قوای حسی و عملی فرزند به اضافه قوای گفتاری با محوریت طیبات است. که اگر این محکم را توجه کنید و کار دیگری نکنید خودش یک رشد معقولی است و این کفایتش است. اشتباه است که ما فکر کنیم خدا مقاصدش را از انسان مخفی کرده است و این کار ابلیس است.

جلوگیری از آسیب / سلام / سلامت	حی و قیوم	آیت الکرسی	حفظ
<p>هر شأنی (موقعیت، مرتبه) انسان و هر نتیجه ای که حاصل می‌کند باید حفظ شود مثلاً قدرت تفکر پید می‌کنید باید حفظ شود. علمی که داریم اگر فراموش کنیم معلوم است که این حفظ نشده است. حفظ واژه عامی است برای بهره‌مندی از حیات و فیض دائمی در مراتب وجودی. حفظ در جاهایی به کار می‌رود: خطرات، گناهان، وسوسه‌ها، آسیب‌های اجتماعی، هوای آلوده، غذای‌های نامناسب. حفظ در معرض هلاکت نبودن است. آیت الکرسی یکی از آن مواردی است که آدم را حفظ می‌کند. حفظ، ستر آور است. نتیجه ستر هم حفظ می‌شود.</p>			

نکته مهم: اعمال در حوزه انسان مانند فرزندان هستند و قواعد فرزندداری بر اعمال نیز وارد می‌شود. این نشان می‌دهد هر عملی که انجام می‌دهید از شما جدا می‌شود و اگر اهلیت‌تان را حفظ کنید این اعمال به شما می‌چسبند.

نتیجه این جلسه: استعاده یک فرآیند است که برای تحقق، مکانیزم و ابزارهای مختلفی نیاز دارد. همانطور که باید آسیب‌ها را شناخت، باید ابرازها و فرآیندها را نیز شناخته شود تا بدانید هر کدام را کجا استفاده کنید چون استعاده برای کسی است که می‌خواهد مقابله کند.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات